

بسمه تعالی

نشست ۱۶ از مجموع نشست‌های تخصصی مدیریت انجمن علمی مدیریت آموزشی و

دانشگاه علم و فرهنگ

مربوط به:

چهارمین همایش بین‌المللی نیازها و ضرورت‌های نظام آموزش عالی در جامعه اطلاعاتی

انجمن علمی مدیریت آموزشی، معاونت پژوهشی و فناوری و گروه علوم تربیتی دانشگاه

علم و فرهنگ

موضوع کنفرانس: مدیریت آموزشی حکمت بنیاد

دوشنبه ۷ مهرماه ۱۴۰۴ - ساعت ۱۴ تا ۱۶

سخنران: دکتر محمدرضا بهرنگی:

رئیس انجمن علمی مدیریت آموزشی ایران

موضوع سخنرانی:

جستجوی الگوی مدیریت تدریس و یادگیری حکمت بنیاد،

مناسب فرهنگ ایرانی اسلامی در عصر هوش مصنوعی

نمونه تدریس: آشنایی با نظریه‌های مدیریت و سازمان در چارچوب یادگیری حکمت بنیاد

منبع درسی: کل کتاب «سازمان‌ها سیستم‌های حقوقی، حقیقی و باز»

تألیف: ریچارد اسکات

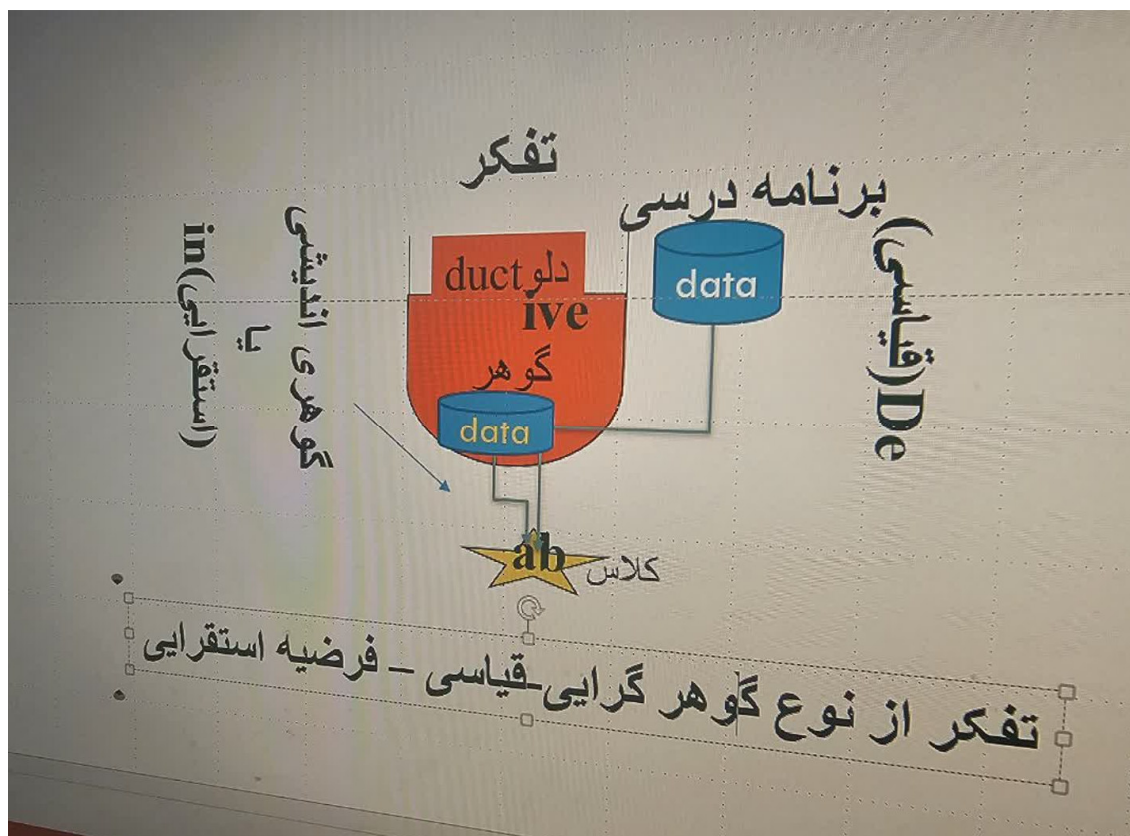
ترجمه "محمدرضا بهرنگی"

زمان تدریس: یک جلسه درس با حجم محتوا: کل کتاب ۵۲۰ صفحه

ابزار: ۱۹ الگوی نوین تدریس و یادگیری، دهگام مدیریت آموزش و یادگیری و مراتب توسعه

و رشد حکمت‌گرا.

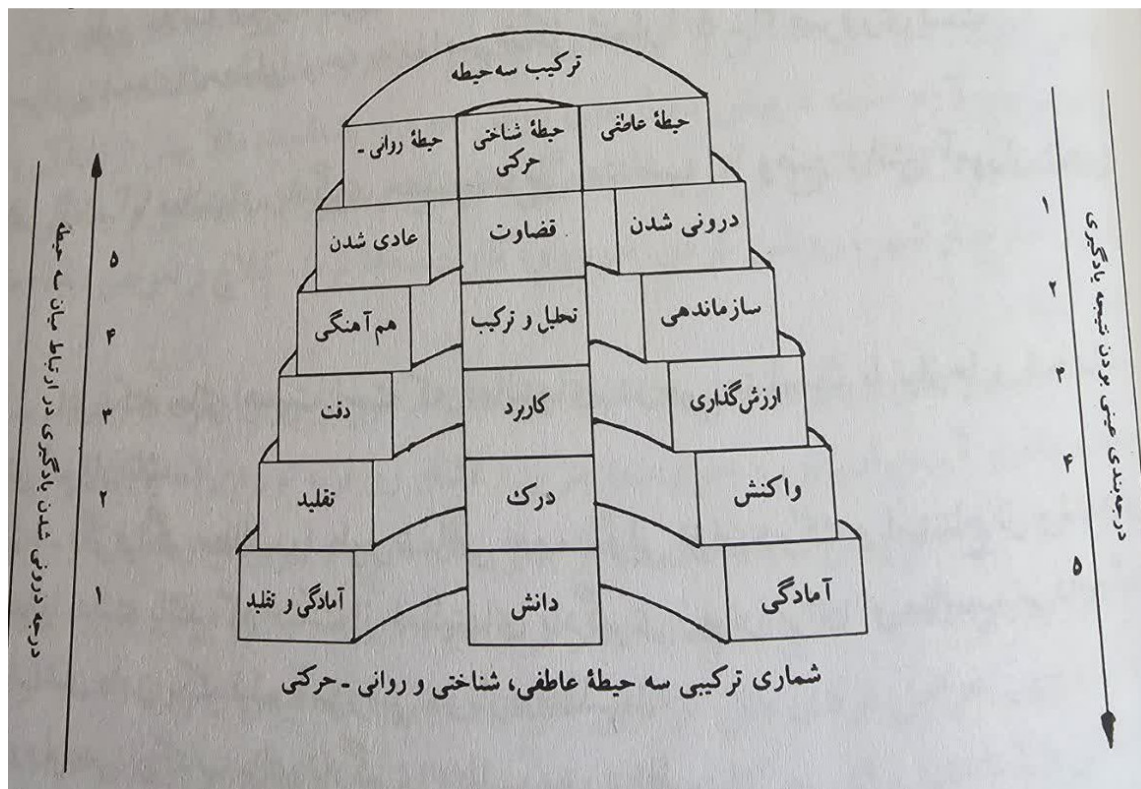
آغاز اوجگیری کیفیت تدریس با گام‌های دهگانه الگوی مدیریت آموزش و یادگیری حکمت‌گرا در تعلیم و تربیت.



فرایند حرکت تعلیم و تربیت حکمت‌گرا در این شکل قابل مشاهده است. این حرکت در مراحل رشد نیازهای مطرح در آثار ابراهام مازلو، رشد اخلاقی فرانسیس کهلبرک و رشد شناختی ژان پیاژه، سلسله مراتب شناخت عواطف و روان حرکت در الگوی سلسله مراتب بیان شده توسط بلوم، کراثول، کیبلر و دوه قابل پیگیری می‌باشد.

آشنایی با تفکر از نوع استقرا-قیاس - فرضیه استقرایی برگرفته از کتاب جان دیویی با عنوان «چگونه فکر می‌کنیم» برای شناسایی حرکت بسوی مدیریت آموزش حکمت‌گرا مفید است. نایل گشتن به مرتبه تفکر از نوع استقرایی - قیاسی - فرضیه‌ای، گذر از ترکیب سه حیطه شناختی، عاطفی و روان حرکتی بسوی حکمت متعالی مقدمه‌ای برای تدریس بنیان‌گرا است. در بخش بعدی

نمونه آغاز تدریس و یادگیری در کلاس تئوری‌های سازمان و مدیریت در رشته مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی بر مبنای حرمت حکمت‌گرا آمده است.



ترکیب سه حیطه عاطفی، شناختی و روان حرکتی بر گرفته از آثار کراث ول، دوه، بنیامین بلوم

از نشانه‌های تعلیم و تربیت حکمت‌گرا تأکید بر احترام به استعدادهای ذاتی اسکلت‌بندی ذهنی «نهاد» که این همان خاک یا بستر ازی است که پیش‌نیاز شناسایی الگوها و معانی است. با درونی‌سازی «بروز گوهر» فرآیندی همچون بذری که در «خاک» کاشته شده، با تجربه و تامل رشد می‌کند و به محصول نهایی (مهارت، ارزش، دیدگاه) تبدیل می‌شود. به جای قالب کردن کودک در الگوهای خشک آموزشی، طراحی محیط‌های یادگیری فعال که ظرف رشد «گوهر» را فراهم می‌کند و باور به استعداد نوآوری و خلاقیت ذاتی هر فرد، نه صرفاً انباشت اطلاعات از نشانه‌های دیگر پیوند با یادگیری ذاتی و درونی‌سازی و تعالی در مراتب حکمت‌گرا است.

جدول تلفیق مفاهیم در سه محور

پیوند با گوهر نهاد	نقش هوش مصنوعی	مرحله گانه	گام بهرنگی
هدف باید با ارزش‌های درونی و مسیر رشد فردی هم‌راستا باشد	تولید اهداف شخصی‌سازی شده با تحلیل داده‌های یادگیرنده	آگاه‌سازی از هدف	۱. تعیین هدف آموزشی
شناخت گوهر نهاد از طریق تجربه‌های زیسته	تحلیل سبک یادگیری، علایق، و سوابق با AI	یادآوری آموخته‌های پیشین	۲. شناخت ویژگی‌های یادگیرنده
محتوا باید معنا محور، انسانی و مرتبط با زندگی باشد	تولید محتوا با ابزارهای AI (متن، تصویر، روایت)	ارائه محرک‌ها	۳. تعیین محتوا
مسیر باید به کشف خود و شکوفایی فردی منجر شود	طراحی مسیر یادگیری انطباقی با الگوریتم‌های هوشمند	راهنمایی برای یادگیری	۴. سازماندهی محتوا
روش‌ها باید به بیان شخصی و تجربه محور بودن کمک کنند	استفاده از چت‌بات‌ها، پلتفرم‌های تعاملی، و تمرین‌های خلاقانه	فراخوان عملکرد	۵. انتخاب روش تدریس
بازخورد باید همدلانه، اخلاقی و تقویت کننده گوهر باشد	بازخورد فوری و رشد محور با ابزارهای تحلیل زبانی و احساسی	ارائه بازخورد	۶. انتخاب رسانه‌ها و ابزارها
فعالیت‌ها باید به تجربه زیسته و مسئولیت اجتماعی پیوند بخورند	طراحی فعالیت‌های معنا دار با کمک AI (پروژه، روایت، شبیه‌سازی)	ارزشیابی عملکرد	۷. تعیین فعالیت‌های یادگیری
سنجش تحول درونی — نه فقط نمره و آزمون	ارزشیابی کیفی با تحلیل روایت‌ها، احساسات، و خلاقیت	انتقال و تعمیم	۸. ارزشیابی یادگیری
اصلاح باید بر اساس رشد گوه ر نهاد صورت گیرد	تحلیل داده‌های یادگیری برای اصلاح مسیر آموزشی	—	۹. بازخورد و اصلاح فرایند
بررسی میزان شکوفایی انسانی در کل برنامه	تحلیل کلان اثربخشی با داشبوردهای هوشمند	—	۱۰. ارزشیابی برنامه آموزشی

نتیجه‌گیری

در این الگوی مدیریت حکمت‌گرا با استفاده از هوش مصنوعی با تلفیق فلسفه گوهر نهاد، نظریه‌ها و الگوهای یادگیری، الگوی مدیریت آموزش و یادگیری و فناوری‌های نوین، می‌توان آموزش را از سطح انتقال دانش به سطح شکوفایی استعدادها و حکمت متعالی انسان ارتقا داد.

اشکال زیر نشانه‌هایی آغازین از کاربرد الگوی استقرای علمی در تدریس، آموزش و یادگیری تمام محتوای کتاب ۵۲۰ صفحه‌ای سازمان‌ها: سیستم‌های حقوقی؛ حقیقی و باز است که توسط بهرنگی در یک جلسه کار کلاس ارشد دانشگاه خوارزمی تدریس شد.

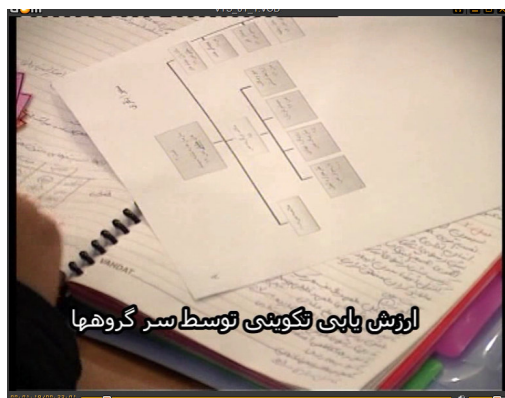


در گام اول تدریس دانشفراگیران نقشه مطلوب تدریس را پس از بررسی بخش‌ها و فصل‌های کتاب «سازمان‌ها، سیستم‌های حقوقی، حقیقی و باز»

در گام دوم دانشفراگیران با ملاحظه مار همیاران خود به اصلاح کار خود می‌پردازند



در گام سوم سرگروه‌های همیاران به ارزیابی کار دانشفراگیران نمره الف یا ب می‌دهند.



در گام چهارم هر یک از دانشفراگیران در صورت داشتن اعتراض به نمره خود، می‌توانند اعتراض خود را به واسطه فردی دیگر به علم بیان نمایند.



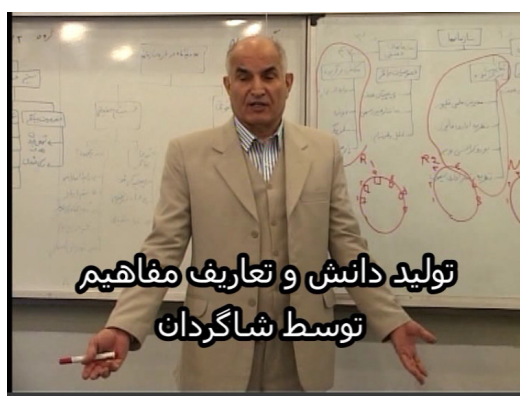
در گام پنجم از تکنیک جیگساو برای مشارکت در رسیدن به یک نقشه درست از تدریس استفاده می‌شود.



در گام ششم نکات کلیدی هر یک از مفاهیم بررسی می‌شود



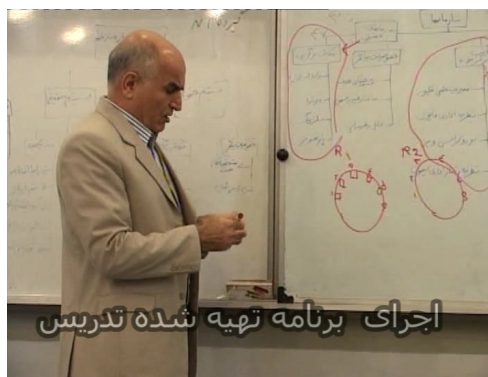
در گام هفتم تولید دانش و تعاریف مفاهیم توسط دانشفراگیران انجام می گیرد



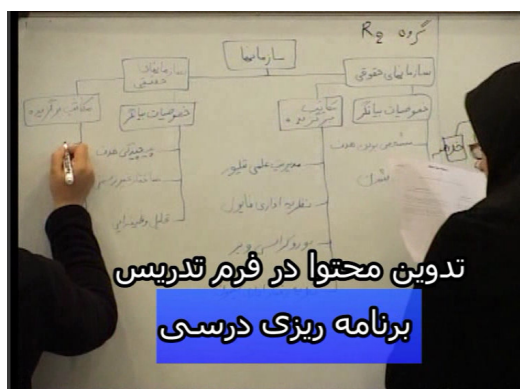
گام هشتم برای پرداختن به پیشگویی است.



گام نهم



گام دهم



6 Education Theorists

That All Teachers Should Know

 <i>Jerome Bruner</i> *Spiral Curriculum – Children can tackle challenging topics in age appropriate ways. These topics can be revisited and expanded upon year after year	 <i>Lev Vygotsky</i> *Zone of Proximal Development (ZPD) – The range of skills that are a little bit more difficult than what a student can do independently. *Scaffolding – Changing the level of support to meet the ability of the child
 <i>Benjamin Bloom</i> *Bloom's Taxonomy – a hierarchy of learning objectives starting with knowledge and growing in complexity to evaluation.	 <i>Jean Piaget</i> *Schema – The things a child already knows. Students connect new knowledge to an existing schema *Constructivism – Students learn by doing, rather than by being told
 <i>Howard Gardner</i> *Multiple Intelligences – Humans have several ways of processing information (musical, visual, verbal, logical, etc.)	 <i>B.F. Skinner</i> *Behaviorism – Positive reinforcement (praise, rewards, etc.) strengthens behavior or increases the likelihood that the behavior will be repeated. Negative reinforcement (punishment) pushes a child away from a behavior.

The Classroom Key

شکل ۳- مشاهیر بنام تعلیم و تربیت در غرب (لئو ویگوتسکی، جین دیویی، بی.اف. اسکینر، جروم برونر، بنیامین بلوم، و هوارد گاردنر که مطالبشان می‌تواند برای اعتباریابی علمی الگوی مدیریت آموزش حکمت بنیاد مفید باشد

لئو ویگوتسکی اشاره به اصطلاح قلمرو همجوار رشد اشاره دارد. قلمرویی از مهارت‌هایی که دشواری آن برای دانش‌فراگیر کمی فراتر از آنست که بتواند به تنهایی انجام دهد.

ژان پیاژه اصطلاحی به اسم «شِما» یا طرحواره را معرفی می‌نماید. چیزی که کودک هم اکنون می‌داند. دانش‌فراگیران دانش جدید را به شِما یا طرحواره خود پیوند می‌دهند.

در سازه‌گرایی دانش‌فراگیر از راه دست به عمل زدن بجای انجام آنچه که به او می‌گویند یاد می‌گیرد.

بی.اف. اسکینر رفتار گرا معروف است به بیان تقویت مثبت (پاداش، تحسین و از این قبیل...) که رفتاری را تقویت یا احتمال تکرار رفتار در آینده را افزایش می‌دهد. تقویت منفی (تنبيه) سبب فشار به کودک برای دور شدن از یک رفتار می‌شود.

جروم برونر "برنامه تحصیلی مارپیچی مخروطی" را که کودکان می‌توانند به با مناسبت سن دست اندرکار عناوین چالش برانگیز شوند. پس از هر سال این عناوین می‌توانند دوباره بررسی و گسترش یابند.

در بیان بنیامین بلوم نوع طبقه‌بندی پلکانی هدف‌های معین یادگیری از دانش شروع و بلحاظ پیچیدگی تا سطح ارزشیابی می‌رسند. و بالاخره هوارد گاردنر اصطلاح "استعداد چندگانه" را نام می‌برد و می‌گوید انسان‌ها از راه‌های متعددی برای پردازش اطلاعات (موسیقیایی، بصری، کلامی، منطقی، و غیره) برخوردارند.

آموزش و پرورش در فرهنگ ایرانی دارای اصالت و هویت خاص و ارزشمندی است. فرزندان ما در تاریخ همچون خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب «اخلاق ناصری»؛ خواجه نظام‌الملک طوسی؛ سعدی؛ مولانا؛ ابن سینا، و صدها اندیشمند فرزانه از مشاهیر ایران در آثار خود به بنیادها و اصول آموزش و پرورش پرداخته و راهکارهایی برای تربیت صحیح ارائه داده‌اند. تأکید آنها بر نقش معلم در تعلیم و تربیت دانش‌فراگیران علاوه بر انتقال دانش، الگوبودن اخلاقی و رفتاری مناسب برای دانش‌فراگیران است. بر اساس اعتقاد آنها آموزش باید شامل مهارت‌های عملی باشد تا دانش‌فراگیران بتوانند آموخته‌های خود را در زندگی واقعی به کار برند. معتقد بودند هر فرد دارای استعدادهای خاصی است و آموزش باید متناسب با توانایی‌های فردی باشد.

یکی از الگوهای به‌روز، مهم و مناسب با فلسفه مدیریت آموزش حکمت بنیان‌الگوی ده‌گام مدیریت آموزشی است که می‌تواند با افزوده‌هایی از نموده‌های این فلسفه به هر گام با استفاده از الگوی مناسب تدریس برگزیده تسهیل این پیوند مراتب رشد حکمت نهاد فراگیر را فراهم آورد.

بیان این آموزش با استفاده از نظریه شرایط یادگیری رابرت گانیه در قالب هریک از ده گام الگوی مدیریت آموزشی به‌رنگی

پیوند با گوهر نهاد	تعریف عملکرد	مراحل یادگیری
آموزش باید با محرک‌هایی آغاز شود که با تجربه زیسته و دغدغه‌های درونی فرد هم‌راستا باشند. مثلاً استفاده از واژگان یا تصاویر معنادار برای جلب توجه و فعال‌سازی احساسات درونی	پاسخ شرطی به یک محرک خاص	۱. پاسخ‌دهی مشخص (Signal Learning)
زنجیره‌سازی باید نه صرفاً مکانیکی، بلکه معنامحور باشد. مثلاً در سوادآموزی، نوشتن نام، سپس جمله‌ای درباره خود، سپس خاطره‌ای شخصی؛ یعنی زنجیره‌ای از خودشناسی تا بیان فردی	یادگیری توالی پاسخ‌ها به محرک‌ها	۲. زنجیره‌سازی (Stimulus-Response Chaining)
آموزش باید به فرد کمک کند تا تفاوت‌های معنایی، اخلاقی و انسانی را تشخیص دهد؛ مثلاً تمایز میان واژگان «ترس» احترام «محبت» در زمینه‌های زیسته	تشخیص تفاوت‌ها میان محرک‌های مشابه	۳. تمیز چندگانه (Multiple Discrimination)
مفاهیم باید از دل تجربه‌های انسانی استخراج شوند؛ مثلاً مفهوم «دوستی» از طریق روایت‌نویسی، گفت‌وگو، و تجربه‌های واقعی — نه فقط تعریف کتابی	درک ویژگی‌های مشترک محرک‌ها	۴. دسته‌بندی مفاهیم (Concept Learning)

قواعد باید نه فقط منطقی، بلکه اخلاقی و انسانی باشند؛ مثلاً «اگر کسی ناراحت است، باید با او همدلی کرد» به عنوان قاعده‌ای رفتاری در کلاس یا جامعه	استفاده از قواعد برای حل مسائل	۵. کاربرد قاعده (Rule Learning)
آموزش باید فرد را به تفکر خلاق، معنامحور و مسئولانه سوق دهد؛ مثلاً حل مسئله‌ای اجتماعی با استفاده از ارزش‌های درونی، تجربه‌های زیسته، و گفت‌وگو با دیگران	ترکیب مفاهیم و قواعد برای یافتن راه حل	۶. حل مسئله Problem Solving

در این مدل، آموزش سوادآموزی نه فقط مهارتی، بلکه مسیر بیداری انسان است. معلم در نقش مربی، با شناخت گوهر نهاد یادگیرنده، او را در مسیر معنا، ارتباط و شکوفایی همراهی می‌کند. بیان ترکیب فلسفه گوهر نهاد با ۶ گونه عملکرد منتج از یادگیری در ۶ مرحله رابرت گانیه «پاسخدهی مشخص، زنجیر، تمیزچندگانه، دسته بندی، کاربرد قاعده و مشکل گشایی» به شرح زیر است.

۱. مهارت‌های مربی‌گری در کلاس درس: گوش دادن فعال، همدلی، و ایجاد فضای امن روانی. پرسش‌گری عمیق، نه فقط پاسخ‌گویی. طراحی فعالیت‌هایی که به کشف استعدادهای درونی منجر شوند.

۲. ارزشیابی رشد گوهر نهاد: استفاده از ابزارهای غیرمکانیکی برای سنجش تحول درونی. ارزیابی بر اساس معنا، خلاقیت، و مشارکت انسانی — نه فقط نمره و آزمون

۳. فرهنگ‌سازی در مدرسه: ایجاد جامعه‌ی یادگیرنده‌ای که معلمان در آن با هم رشد کنند. جلسات تأمل، روایت‌گری، و گفت‌وگو درباره تجربه‌های تربیتی. مربیان ارشد به عنوان الگوهای زیسته‌ی فلسفه گوهر نهاد

چشم‌انداز نهایی

در این مدل، معلم نه فقط آموزش‌دهنده، بلکه همراه در مسیر شکوفایی انسان‌هاست. او با شناخت گوهر نهاد خود، می‌تواند گوهر نهاد شاگردان را بیدار کند. این تحول، آموزش را از سطح انتقال دانش به سطح تربیت انسان کامل ارتقا می‌دهد.